

مسأله اجتماعی خاموش و نامرئی: کاهش شانس ازدواج برای دختران روستایی (با تأکید بر یافته‌هایی از نقاط روستایی همدان)

اسداله نقدی *

اسماعیل بلالی **

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۹/۲۹

چکیده

با توجه به تحولات جمعیتی و اجتماعی در طول دهه‌های اخیر در ایران، مسئله اجتماعی تأخیر سن ازدواج یا به تعبیر برخی، پیامدهای منفی ناشی از این امر پدید آمده است و با توجه با بافت اجتماعی، در صورت استمرار می‌تواند به بحران تبدیل شود و حیات جامعه را تهدید کند. میزان سن در اولین ازدواج یا احتمالاً پیوستن بخشی از دختران به مجردین قطعی در همه نقاط کشور، طبق آمارهای رسمی در حال افزایش است. علاوه بر مناطق شهری، در نواحی روستایی نیز این مشکل به طور جدی جلوه کرده است و با توجه به شرایط دختران روستایی و محرومیت آنها از بسیاری از حقوق و خدماتی که در نقاط شهری وجود دارد و انگ‌ها و ننگ‌های ناشی از عدم ازدواج و خطر پیوستن به خیل مجردان قطعی در جوامع سنتی و بسته روستایی، این معضل از اهمیت بیشتری برخوردار است. اما مسأله این است که مانند سایر مسائل اجتماعی، نگاه‌ها در ایران «شهرمحور» و «شهرزده» است و جامعه روستایی در درجه دوم اهمیت و اولویت قرار دارد و صدای محرومیت مضاعف دختران روستایی به گوش برنامه‌ریزان نمی‌رسد. در این مطالعه، از چهارچوب نظری مدل انگیزه مهاجرتی زنان (سادانی و تودارو)، نظریه تغییرات الگوی ازدواج (گود، بکر و لستاقی) و نظریه مهاجرت‌های مبتنی بر گزینش جنسیتی (بهرمن و ولف) استفاده شده است. روش تحقیق در بررسی حاضر، تحلیل داده‌های ثانویه و مطالعه میدانی نگارنده با تکنیک ارزیابی مشارکتی در روستاهای استان همدان در قالب سه پروژه (توسعه محلی، توسعه پایدار و بررسی اشتغال دختران روستایی) است. جامعه آماری، زنان و دختران نواحی روستایی استان همدان است و مناطق روستایی منتخب در شهرهای رزن، بهار، فامنین و نهاوند قرار دارند. یافته‌های تحقیق، بیانگر همسویی الگوهای همسرگزینی شهری- روستایی، دلایل عمده تأخیر سن و کاهش شانس ازدواج در روستاها ناشی از افزایش تحصیلات مردان جوان روستایی، مهاجرت جوانان به شهر (گزینش جنسیتی) و مشکلات اقتصادی (بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی) است.

کلیدواژه‌ها: دختران روستایی، کاهش شانس ازدواج، سن ازدواج، گزینش جنسیتی مهاجرت.

* استادیار گروه آموزشی علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا. naghdi@basu.ac.ir

** استادیار و مدیر گروه آموزشی علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا. balali_e@basu.ac.ir

مقدمه

با توجه به تحولات جمعیتی و اجتماعی ایران در طول دهه‌های اخیر، مسئله اجتماعی تأخیر در سن ازدواج یا کاهش شانس ازدواج برای دختران شهری و روستایی به یک بحران تبدیل شده است. طبق آمارهای رسمی، افزایش سن در اولین ازدواج در همه نقاط کشور، در حال افزایش است که دشواری تأمین معیشت و بیکاری، افزایش توقعات زنان و مردان جوان، شیوع ازدواج در دوران بعد از سربازی و تحصیلات دانشگاهی و افزایش دسترسی زنان به خدمات اجتماعی مانند آموزش و سخت‌گیری‌های ناشی از چشم‌وهم‌چشمی‌های رایج، تغییر نگرش به ازدواج و زناشویی و تحولات مربوط به روابط دو جنس و گسترش شهرنشینی و غیره از جمله دلایل آن می‌باشد. وقوع این پدیده تا حدودی می‌تواند پیامد طبیعی تغییرات فوق باشد، اما نکته مهم در این باره، افزایش سریع نرخ این تغییرات است که قابل تأمل می‌باشد. علاوه بر این، مسئله مذکور، همه ویژگی‌های مسائل اجتماعی از جمله عمومی بودن، جمعی و غیرفردی بودن، تاریخی بودن، واقعی بودن، بعد کیفی و ارزشی داشتن، متغیر و نسبی بودن، قانونمند بودن، خصلت چندبعدی و قابل کنترل بودن (عبدالهی، ۱۳۸۰: ۱۴) را دارا است و بایستی تهدیدکننده حیات و ارزش‌های اجتماعی تلقی شود.

در ایران در طول سال‌های اخیر، بحث تأخیر در سن ازدواج یا عدم توازن در تعداد دو جنس، کاهش ازدواج در ایران (درودی‌آهی، ۱۳۸۰) و غیره، با تفاوت‌هایی در معنا و مفهوم، در بین صاحب‌نظران علوم اجتماعی ایران مطرح شده، اما آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته است، وضعیت این پدیده در جامعه روستایی کشور می‌باشد که در مقاله حاضر تلاش می‌شود سیمای کاهش شانس ازدواج برای دختران روستایی و دلایل و پیامدهای آن در روستاهای منتخب استان همدان نشان داده شود.

بیان مسئله

خانواده و زناشویی یکی از نهادهای اجتماعی است که در سالیان اخیر تحولات بسیاری در شکل و کارکرد آن پدید آمده است. شواهد بیانگر پیدایش جدی برخی مشکلات مانند کاهش ازدواج و تأخیر در سن ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن است. به اعتقاد برخی محققان، این موضوع، در حال حاضر یک «مسئله اجتماعی» است، ولی ممکن است در آینده از این مرحله نیز عبور کند و به یک

مسأله اجتماعی خاموش و نامرئی ...

«بحران اجتماعی» تبدیل شود. در ایران بسیاری از تغییرات اجتماعی در جامعه روستایی، با اندکی تأخیر در مقایسه با جامعه شهری رخ می‌دهد که تحولات در حوزه خانواده از آن جمله است. یکی از دلایل این دگرگونی، تغییرات مربوط به ساخت و حرکات جمعیت در جامعه روستایی ایران است: شاید هیچ نهادی به اندازه خانواده از تحولات جمعیتی تأثیر نپذیرد و گرچه این اثرپذیری می‌تواند در مواردی با عدد و رقم بیان شود، ولی بیشتر جنبه کیفی دارد و همراه با تحولات جمعیتی، این نهاد نیز متحول می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۹).

در طول چند دهه اخیر، مواهب و دستاوردهای توسعه در جامعه روستایی، بیشتر نصیب مردان شده است و در کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه، زنان بیش از مردان از پیامدهای منفی توسعه و تغییرات اجتماعی آسیب می‌بینند، این توسعه‌نیافتگی مهمترین مسئله زنان هست و از پیامدهای منفی توسعه‌نیافتگی بیشتر زیان می‌بینند، زیرا آنها در مقایسه با مردان از موقعیت اجتماعی پایین‌تری برخوردارند و بدیهی است هر قشری از اقشار جامعه که در مقایسه با سایرین در جایگاه پایین‌تری قرار گیرد، از پیامدهای مثبت توسعه کمتر سهم می‌برد و عوارض منفی آن بیشتر نصیبش می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۲). با این حال، این موضوع مختص جوامع در حال توسعه نیست، بلکه کشورهای توسعه‌یافته نیز در گذشته چنین وضعیتی را تجربه کرده‌اند. به هر حال، مشارکت زنان جامعه دهقانی در فعالیت کشاورزی، موجب برابری جنسیتی در جوامع دهقانی نمی‌شد، زنان برای انتخاب وظایف خود در مزارع که در اغلب موارد در تملک و کنترل مردان بود، اختیاری نداشتند که در این باره، موقعیت زنان جوان در خانواده‌های گسترده بسیار وخیم‌تر بود (سیرنی، ۲۰۰۸: ۳۴). برنامه‌ریزی‌های توسعه و نوسازی با وجود دستاوردهای بسیار، نتوانسته‌اند بهبود پایداری در شرایط دختران روستایی پدید آورند و به رفع محرومیت آنها از بسیاری از حقوق و خدماتی کمک کنند که در نقاط شهری برای دختران وجود دارد.

مهاجرت گسترده مردان جوان به شهرها و برهم خوردن نسبت جنسی در روستاها، موجب کاهش شانس ازدواج دختران شده است، اما این خلأ همراه با ننگ‌های ناشی از عدم ازدواج و خطر پیوستن به خیل مجردان قطعی در جوامع سنتی و بسته‌تر روستایی، این معضل را از اهمیت بیشتری برخوردار می‌کند. با توجه به اینکه در این زمینه نیز همانند سایر مسائل اجتماعی، نگاه‌ها در ایران

«شهرمحور» است و جامعه روستایی در درجه دوم اهمیت و اولویت قرار گرفته است، برنامه‌ریزان توسعه کمتر به محرومیت مضاعف دختران روستایی و کاهش شانس تشکیل خانواده توجه می‌کنند. پسران جوان روستایی به دلایل مختلف (به‌ویژه کمبود فرصت‌های شغلی، عدم جذابیت محیط بسته روستایی و نامطلوب بودن کار کشاورزی به شکل سنتی و بخور و نمیر آن) تصمیم می‌گیرند مهاجرت کنند و کمتر تمایل دارند به روستا بازگردند. طبق یک تحقیق میدانی در شهر همدان، ۸۷ درصد افراد مهاجر به شهر، با وجود مشکلات موجود تمایل نداشتند به روستاهای خود برگردند (نقدی، ۱۳۸۶: ۲۵۰). همچنین نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که مهاجران از جمله مهاجرین روستا-شهری عموماً جوان، باسواد و نخبگان روستایی هستند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که جوان و نخبه‌گزین بودن مهاجرت‌های روستایی، از جمله عواملی است که فرایند توسعه درون‌زا و روند بهبود شرایط زندگی در روستاها را مختل می‌کند (زاهدی، ۱۳۸۳: ۲۳۹) و در نتیجه در جامعه روستایی، جمعیت پیر و سالخورده و در نواحی شهری، جمعیت جوان مشاهده می‌شود (این پدیده در روستای تاریخی ایبانه، توجه گردشگران را به خود جلب می‌کند. این ناحیه به روستای پیران و سالخورده‌گان معروف است). افزایش سریع جمعیت شهری نیز تغییرات مهمی را در ترکیب سنی و جنسی جمعیت به وجود می‌آورد و شهرها را با معضلات ناشی از آن مواجه می‌کند، زیرا هجوم جوانان روستایی به شهرها موجب افزایش سریع جمعیت شهری در گروه سنی جوانان می‌شود و نسبت این گروه به سایر گروه‌ها نامتعادل می‌گردد که مسئله اشتغال، مسکن و غیره را با مشکل مواجه می‌کند (نقدی، ۱۳۸۲: ۱۳۰). سهم مهمی از حاشیه‌نشینان را جوانان تشکیل می‌دهند، افراد بالای ۱۰ سال حاشیه‌نشین را جوانانی تشکیل می‌دهند که روستا و زادگاه خود را به امید کار و فعالیت در شهرها ترک کرده‌اند، افراد باسواد نیز به دلیل فقر مالی و فرهنگی والدین خود، قادر به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر از دبیرستان نیستند (سماواتی، ۱۳۷۲: ۲۱).

در حال حاضر، نهاد خانواده در ایران چالش‌ها و تحولات بسیاری را تجربه می‌کند. تغییر در هرم قدرت، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان، تحول الگوهای تربیتی، کاهش بعد کمی خانوار و واگذاری هر چه بیشتر وظایف به نهادها و مؤسسات دیگر، به تأخیر افتادن ازدواج و غیره همگی موجب شده است محیط‌های شهری، تأخیر در سن ازدواج را پذیرفته و به زنان فرصت بیشتری برای بلوغ فکری و عاطفی، تحصیل، کار و گذران اوقات فراغت - از تماشای تلویزیون گرفته تا ورزش،

مسأله اجتماعی خاموش و نامرئی ...

پارک، خیابان و اینترنت - و سهل‌گیری اجتماعی بیشتر در مناسبات اجتماعی و تنوع حضور در مراکز خرید و پرسه‌زنی و غیره را داده است، اما اغلب این فرصت‌ها در اختیار دختران جوان روستایی ایران نیست یا اینکه صرفاً برای تعداد اندکی از آنها مهیا است. بنابراین در کنار همه محرومیت‌های اجتماعی در نقاط روستایی، انگ اجتماعی ناشی از مجرد قطعی یا پیردختر بودن قدرت تحمل این قبیل دختران را کمتر کرده است. فشار هنجاری و انگ‌شست‌نما شدن در جامعه کوچک و بسته روستایی برای دخترانی که شانس ازدواج را از دست می‌دهند، آزاردهنده است.

افزایش سن ازدواج، پیامدهای اجتماعی و روانی بسیاری دارد: هر چه درصد افراد ازدواج نکرده افزایش یابد، بر درصد افراد مجرد افزوده می‌شود که این پدیده نیز مسائلی مانند انزوا و زندگی حاشیه‌ای را به وجود می‌آورد و روان‌پریشی‌های اجتماعی را تشدید می‌کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۹). البته باید یادآوری کرد که برخورداری زنان از حقوق اجتماعی مانند مالکیت و زناشویی، همواره متأخرتر از مردان بوده است: در همه مناطق، زنان دیرتر از مردان به حقوق اساسی شهروندی دسترسی یافته‌اند. اکنون زنان از حقوق مدنی بسیاری برخوردار هستند، از جمله حق ارث و کنترل آن و نیز حتی حقوق ازدواج (مارل^۱، ۲۰۰۸: ۱۳).

ازدواج در مناطق روستایی ایران

در گذشته در مناطق روستایی به دلایل مختلفی انتظار می‌رفت که ازدواج از عمومیت بیشتری برخوردار شود، از جمله خانواده پدرسری یا خانواده پدری توسعه‌یافته، جوانان را به ازدواج تشویق و حتی وادار می‌کرد، کار در بخش کشاورزی، مرد را به داشتن همسر نیازمند می‌کرد، قید و بندهای اجتماعی و عرف موجب گرایش جوانان به ازدواج می‌شد، اعتقادات دینی نیز در ازدواج نقش مهمی داشته و دین مشوق ازدواج بوده است، همچنین به دلیل استحکام اعتقادات دینی در میان روستاییان، تنها رابطه ممکن و قابل قبول جنسی، رابطه زن و شوهری بود که این موضوع نیز یکی از دلایل عمومیت و ازدواج زودرس در مناطق مذکور بوده است. علاوه‌براین، عمومیت ازدواج در روستاها بسیار بیشتر از شهرها بوده است، زیرا زنان ساکن در شهر به دلایل مختلفی مانند تحصیلات، کار و افزایش توقعات و مسائلی از این قبیل، به تعداد کمتر و دیرتر ازدواج می‌کنند (وثوقی، ۱۳۶۸: ۷۸).

1 Morell

توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

اما آمارهای موجود نشان می‌دهند در دهه‌های اخیر، دلایل و انگیزه‌های فوق در نواحی روستایی نیز با چالش‌هایی جدی مواجه شده است. نگاهی مقایسه‌ای به نسبت جنسی زنان و مردان روستایی نشان می‌دهد که در مقابل هر ۱۰۳ مرد، حدود ۱۰۰ زن وجود دارد، گرچه این ترکیب در همه گروه‌های سنی یکسان نیست (برای مثال، در سنین فعالیت به‌ویژه در جمعیت ۲۵ تا ۵۰ سال، تعداد زنان افزایش می‌یابد، همچنین در گروه سنی ۳۵ تا ۳۹ سال، در مقابل هر صد زن حدود ۸۵ مرد وجود دارد) که این وضعیت خارج شدن نیروی فعال مرد به خارج از روستا را نشان می‌دهد (شفیق، ۱۳۸۳: ۸۰). همچنین آمارها نشان می‌دهند که میانگین سن در اولین ازدواج، در نواحی روستایی ایران در طول پنجاه سال اخیر رو به افزایش بوده است.

جدول (۱): میانگین سن در اولین ازدواج

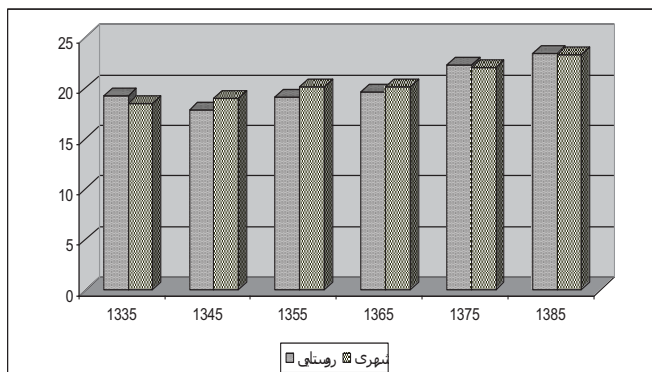
شهری	روستایی	سال
۱۸/۵	۱۹/۳	۱۳۳۵
۱۹/۰	۱۷/۹	۱۳۴۵
۲۰/۲	۱۹/۱	۱۳۵۵
۲۰/۲	۱۹/۶	۱۳۶۵
۲۲/۰	۲۲/۳	۱۳۷۵
۲۳/۳	۲۳/۴	۱۳۸۵

منبع: حسینی، ۱۳۷۹: ۷۰ و مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶: ۱۳۲

حتی داده‌های جهانی نیز افزایش سن در اولین ازدواج و نسبت زنان هرگز ازدواج‌نکرده‌ها را نشان می‌دهند که البته این پدیده ممکن است شانس زندگی زنان را بهبود بخشد (اسکات، ۲۰۰۴: ۱۰). اما گاهی نیز در صورت فراهم نبودن سایر شرایط، به‌عنوان یک مسئله اجتماعی ظاهر می‌شود. میانگین سن ازدواج دختران در ایران از ۱۹/۳ سال در سال ۱۳۳۵، به ۲۲/۳ سال در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. در نقاط شهری نیز از ۱۸/۵ به ۲۲/۵ رسیده است که توسعه شهرنشینی، اشاعه تحصیلات، تمایل به کسب شغل و نیاز به داشتن استقلال مالی در بین دختران از جمله عمده‌ترین دلایل این افزایش می‌باشد (بلدوی، ۱۳۷۸: ۸۹).

مسأله اجتماعی خاموش و نامرئی ...

نمودار (۱): مقایسه میانگین سن ازدواج در مناطق روستایی و شهری



جدول (۲): درصد افراد ازدواج کرده ۱۹-۱۵ ساله بر حسب جنس به تفکیک نقاط شهری و روستایی

روستایی	شهری	
مرد ۸/۹، زن ۳۸/۵	مرد ۱۹/۳، زن ۴۵/۳	۱۳۳۵
مرد ۳/۵، زن ۲۰/۲	مرد ۱/۹، زن ۱۶/۳	۱۳۷۵

حسینی، ۱۳۷۹: ۶۸ به نقل از زنجانی و همکاران، ۱۳۷۸: ۶۰

گرچه کاهش میزان افراد ازدواج کرده در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال - از ۴۱ درصد به ۱۷/۹ درصد برای زنان در کل کشور و ۳۸/۵ به ۲۰/۲ درصد در بین دختران روستایی - فی‌نفسه مثبت و بیانگر تحول مهمی در جامعه ایران است، ولی در جامعه مذهبی و سنتی روستایی ایران که رفع نیازهای جنسی را فقط از طرق مشروع و قانونی به رسمیت می‌شناسد، افزایش سن در اولین ازدواج و کاهش عمومیت ازدواج در مناطق روستایی را نباید به سادگی جامعه شهری تفسیر کرد. یکی از پیامدهای این شرایط، تمایل مردان مسن به ازدواج با زنان جوان تر و در تعداد بیشتر در روستاهاست. کاهش قابل ملاحظه شانس ازدواج، همراه با کوچ جوانان روستایی پسر به شهر، مشکل را برای دختران دوچندان می‌کند. در جامعه روستایی و عشایری، زنان در مقایسه با مردان به میزان بسیار کمتری از مواهب برنامه‌های توسعه برخوردار هستند. از زنان روستایی به دلیل عدم دسترسی به منابع اطلاعاتی و امکانات آموزشی، به عنوان مستضعف‌ترین اقشار جامعه بزرگ ایران یاد می‌شود (شهبازی، ۱۳۷۲: ۴۱۳). میزان رفاهی که زنان روستایی از آن برخوردار هستند، عموماً کمتر از میزان رفاه مردان روستایی

است (رضوی، ۱۳۸۲: ۱۵۶). همان طور که قبلاً گفته شد، الگوی مهاجرت‌های روستا-شهری در ایران نشان می‌دهد که در گروه‌های سنی زیر ۱۹ سال و بالای ۲۹ سال، میزان مهاجرت زنان و مردان روستایی به یکدیگر نزدیک است، اما در فاصله ۲۰ تا ۲۹ سالگی (سن ازدواج) بیشترین تفاوت در میزان مهاجرت مشاهده می‌شود (۴۷۳۹۰۳ مرد در برابر ۲۲۲۲۸۹ زن در سرشماری ۱۳۸۵) (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۵۱).

چارچوب نظری

توجه به مسائل زنان در دهه‌های اخیر، یکی از موضوعات مهم محققان علوم اجتماعی و برنامه‌ریزان توسعه بوده است، زیرا به اعتقاد برخی محققان دستیابی به توسعه، مستلزم توجه به این موضوع مهم است: دستیابی به اهداف توسعه بدون توجه به قشر زنان امکان‌پذیر نیست (طالب، ۱۳۸۶: ۲). یکی از مهمترین حوزه‌های مطالعات زنان و خانواده، تحولات مربوط به ازدواج و طلاق است. مطالعه پدیده ازدواج در جامعه روستایی، مستلزم توجه همزمان به مهاجرت است، زیرا مهاجرت بر ساختار ازدواج تأثیر می‌گذارد. از ویژگی‌های بارز جامعه روستایی کشور در سه دهه اخیر، حرکت‌های مکانی جمعیت و مهاجرت است... مهاجران روستایی دو گروه متمایز را شامل می‌شوند که عبارت‌اند از افراد تحصیل‌کرده روستایی... و روستاییان فقیر (شفیق، ۱۳۸۳: ۸۴). در فاصله دو سرشماری ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، ۱/۵ میلیون نفر از روستاها به نواحی شهری مهاجرت کرده‌اند، و در فاصله ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نیز ۲،۲ میلیون نفر مهاجر روستاشهری ثبت شده است که دلیل اصلی آن، نابرابری در دسترسی به مواهب توسعه و تفاوت نوع زندگی در شهر و روستا است (زنجانی، ۱۳۷۱: ۱۹۹). اغلب مهاجران، مرد به‌ویژه مردان جوان بودند که در سنین ۱۵-۳۴ قرار داشتند. تحصیل‌کرده‌ها و نوگرایان بیشتر از همه از روستا مهاجرت می‌کنند که این موضوع، شانس ازدواج دختران روستایی را کاهش می‌دهد. پدیده کاهش شانس ازدواج نیز در حال افزایش است. از این رو، بهره‌گیری از نظریه‌های مهاجرت و جامعه‌شناسی خانواده می‌تواند برای تبیین پدیده کاهش شانس ازدواج دختران مناسب باشد.

مهاجرت پدیده‌ای است که نظریه‌های متعددی درباره آن بیان شده است. در اواخر قرن نوزدهم راونشتین بر اساس داده‌های به‌دست آمده از مهاجرت‌های داخلی در کشورهای اروپایی «قوانین مهاجرت» را فرمول‌بندی کرد. در قوانین وی بر نقش عوامل اقتصادی در مهاجرت از نواحی روستایی

مسأله اجتماعی خاموش و نامرئی ...

به شهری تأکید شده بود (کوساگو^۱، ۲۰۰۰: ۳). اخیراً نیز سجااستد و لی^۲ طبق قوانین راونشتاین تلاش کرده‌اند که نظریه جامع‌تری بیان کنند.

هریس و تودارو بر اساس این رویکرد هزینه‌فایده فردی، مدلی دوبخشی از مهاجرت ارائه کرده‌اند. در این مدل، مهاجرت نتیجه تفاوت‌های بنیادین در ساختار بازار کار بین نواحی روستایی و نواحی شهری تلقی شده است. اندیشمندان فوق، مهاجرت روستا-شهری را ناشی از شکاف دستمزدی بین درآمد‌های شهری و کشاورزی می‌دانند. تودارو با بسط مدل مذکور، به شیوه‌ای نظام‌مندتر مدل جاذبه-دافعه‌ای^۳ از مهاجرت ارائه کرده است. در مدل مهاجرت وی، بر انگیزه‌های اقتصادی خاص تأکید شده است و در آن فرض می‌شود یک مهاجر بالقوه محصول خالص مورد انتظار^۴ خود از مهاجرت را به حداکثر می‌رساند. محصول خالص مورد انتظار بر حسب تفاوت درآمد‌های واقعی بین فرصت‌های شغلی شهری و روستایی و نیز امکانات یک شغل شهری ادراک و ارزیابی می‌شود. از این‌رو، در مدل تودارو فرض می‌شود که یک مهاجر بالقوه، مقصدی را انتخاب خواهد کرد که محصول خالص مورد انتظار بیشتری تدارک می‌بیند. مدل مزبور در جریان انتقال از اقتصادهای کشاورزی به روستایی، برای بسیاری از مهاجرت‌ها کاربرد دارد. با این حال، همان‌گونه که پدرازا^۵ استدلال می‌کند، این مدل‌ها بدون در نظر گرفتن منطقی جداگانه برای مهاجرت مستقل زنانه، بر مهاجرت‌های مردانه تأکید می‌کنند. از این‌رو، گرچه اکثر مدل‌های مهاجرت به لحاظ جنسیتی بی‌طرف^۶ هستند، اما اغلب آنها به این نکته توجه نکرده‌اند که تصمیم‌ها درباره مهاجرت ممکن است متأثر از تفاوت‌های جنسیتی باشند. افزایش اخیر در مهاجرت‌های زنان در کشورهای درحال توسعه موجب شده است برخی از اندیشمندان مدل‌های رایج مهاجرتی را زیر سؤال ببرند. ثادانی و تودارو^۷ از جمله اولین اندیشمندانی هستند که تلاش کرده‌اند چارچوبی مفهومی برای مهاجرت‌های روستا شهری زنان ارائه دهند. آنها به این نکته رسیدند که مدل‌های مرسوم، محدودیت‌هایی دارند و از این‌رو، تلاش می‌کنند مدل مفهومی برای مهاجرت‌های زنان ابداع کنند.

1 Kusago
2 Sjaasted & Lee
3 Pull- Push
4 Expected Net Gain
5 Pedraza
6 Gender-Neutral
7 Thadani & Todaro

مهاجرت‌های زنان نیز مانند مهاجرت مردان، معطوف به شغلیابی است. در این زمینه نیز فرصت‌های شغلی و دستمزد، خواه واقعی یا ادراکی، میان نواحی شهری و روستایی از اهمیت بسیاری برخوردارند. اما یک ویژگی متفاوت مهاجرت مردان در مقایسه با زنان، اهمیت ازدواج به‌عنوان دلیلی مهم برای مهاجرت زنانه است... از این‌رو، ارزیابی‌های اجتماعی - فرهنگی نیز ممکن است عاملی مؤثر در مهاجرت‌های زنانه باشند (کوساگو، ۲۰۰۰: ۸).

تودارو و ثادانی نیز با بسط مدل هزینه - فایده فردی هریس و تودارو^۱، انگیزه زنان برای ازدواج را به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در مهاجرت زنان تلقی کردند که در مقایسه بین بازارهای ازدواج نواحی روستایی و شهری مطرح است. آنها همچنین معتقد بودند که مهاجرت زنان، نتیجه تعامل بین عوامل اقتصادی فردی، اجتماعی - فرهنگی و عوامل محیطی مانند قدرت اقتصادی خانوار، ساختار اجتماعی خانواده، تفاوت‌های روستا - شهر در درآمد و فرصت‌های اشتغال، امکانات ازدواج در نواحی شهری، هنجارهای اجتماعی - فرهنگی مرتبط با سبک‌های زندگی زنانه (برای مثال سن مناسب برای ازدواج)، سن و تحصیلات است. همانند مدل تودارو، در مدل ثادانی و تودارو نیز بر این ایده تأکید می‌شود که زنان هزینه‌ها و فواید مهاجرت را مورد توجه قرار می‌دهند، اما در محاسبات خود آشکارا به عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز در کنار عوامل اقتصادی توجه می‌کنند. نکته مهم این است که مدل‌های فوق در مورد ایران زیاد کاربرد ندارند، زیرا مهاجرت مستقل زنان روستایی در ایران فراوانی قابل توجهی ندارد.

بهرمن و ولف^۲ به تبعیت از چارچوب ثادانی و تودارو، مهاجرت‌های زنانه در نیکاراگوئه را بررسی کردند و در مطالعه خود، علاوه بر عوامل مربوط به بازار کار، عوامل مربوط به بازار ازدواج را نیز برای تبیین ازدواج‌های بین‌ناحیه‌ای در مهاجرت‌های زنانه مورد توجه قرار داده‌اند. یافته جالب آنها این بود که ازدواج با مردی با درآمد بالا، عامل بسیار مهمی در تعیین مقصد مهاجرت زنان است. البته زنان جوان‌تر، نه صرفاً برای ازدواج یا به دلایل اقتصادی، بلکه به دلیل دامنه وسیع‌تری از عوامل مانند آمال مربوط به کار، الگوهای مصرف در نواحی شهری، افزایش مهارت و دانش و توسعه مشاغل مهاجرت می‌کنند. از این‌رو، در مدل ثادانی و تودارو بایستی به عوامل غیراقتصادی بیشتری غیر از انگیزه‌ها برای ازدواج توجه شود (کوساگو، ۲۰۰۰: ۱۲).

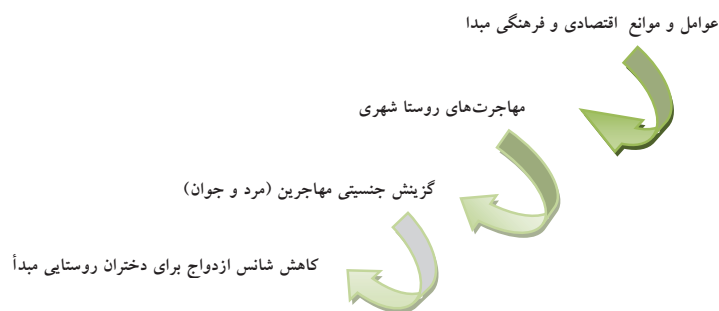
1 Harris & Todaro
2 Behrman & Wolfe

مسأله اجتماعی خاموش و نامرئی ...

از بعد جامعه‌شناسی خانواده نیز محققان برای تبیین تغییرات الگوی ازدواج، عوامل و متغیرهای ذیل را بیان کرده‌اند، به طوری که ویلیام گود معتقد است که تغییرات ملموسی در نظام خانواده در جهان در حال وقوع است که همه این تغییرات در نقطه مشترکی با همه تلاقی می‌کنند که عبارت است از افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواج‌های از قبل تعیین شده و افزایش آزادی در انتخاب همسر. به اعتقاد وی، پارامترهای ازدواج در جوامع مختلف، به همگرایی نزدیک می‌شوند (گود، ۱۹۶۳: ۵۷). همچنین به اعتقاد برخی محققان، افزایش سن ازدواج، به عوامل اقتصادی، اجتماعی و تغییرات فرهنگی مانند افزایش علاقه زنان به ادامه تحصیل و اشتغال، تغییر نگرش به زندگی خانوادگی و برقراری روابط جنسی قبل از ازدواج (راثرفورد، ۲۰۰۱: ۶۵-۱۰۲)، افزایش نقش زنان در اقتصاد خانواده (بکر، ۱۹۸۵) افزایش تحصیلات زنان همراه با استقلال اقتصادی آنها (وان دی کا، ۱۹۸۷) و تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌های جوانان (لستاقی، ۱۹۸۳) و گزینش جنسیتی مهاجرت (زنجانی، ۱۳۸۰) بستگی دارد. در عین حال، به اعتقاد برخی بازیابی الگوی ازدواج در ایران دشوار است: «یکی از ویژگی‌های ازدواج در ایران از زاویه سن زوجین، پراکندگی آن است، به طوری که بازیابی هنجاری مشخص، به دشواری امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، ازدواج‌های زودرس در سنین ۱۲ یا ۱۳ سالگی در کنار ازدواج‌های در سنین ۲۷ یا ۲۸ سالگی مشاهده می‌شود و تعیین میانگین به تنهایی نمی‌تواند این پراکندگی را نشان دهد (بهنام و راسخ، ۱۳۴۸: ۱۵۶) اکنون در بسیاری از کشورهای آسیایی، از عمومیت و میزان ازدواج - به‌ویژه در مناطق شهری - کاسته شده و سن ازدواج به دلیل افزایش میزان تحصیلات، بیکاری، نسبت جنسی، شهرنشینی، اشتغال زنان، تغییر ارزش‌های مربوط به تشکیل خانواده، تغییر در معیارهای همسرگزینی، نومکانی به جای پدرمکانی، جدایی محل کار و زندگی، تشکیل خانواده هسته‌ای، شکاف و چالش نسلی بین افراد در جامعه افزایش یافته است (آقاجانیان، ۱۹۹۷). در بعضی از مطالعات، تغییر در سن ازدواج به تغییر اقتصادی و اجتماعی جوامع (مراحل توسعه) نسبت داده شده است. طبق یافته‌های این دسته از مطالعات، الزامات اقتصادی و اجتماعی هر دوره، زمان تشکیل خانواده و الگوهای آن را تعیین می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۲۸ و سگالن، ۱۳۷۰: ۱۳۵). در پایان دوره ماقبل صنعتی (کشاورزی) و در ابتدای مرحله صنعتی شدن، مردان در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند. دلیل اصلی تأخیر در ازدواج، عدم آمادگی افراد است، به طوری که آماده شدن افراد برای ازدواج از نظر اقتصادی (تهیه امکانات لازم برای زندگی مستقل) به زمان بیشتری نیاز دارد.

توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

از طرف دیگر، افزایش سن ازدواج در ابتدای صنعتی شدن را می‌توان کاهش کنترل خانواده بر ازدواج دانست (میشل، ۱۳۵۴: ۱۴۶). ظاهراً با توجه به چارچوب فوق، می‌توان مدل زیر را برای تبیین مسئله مورد بررسی، چهارچوب مناسبی دانست:



روش تحقیق

در این مطالعه، از روش تحقیق کمی و کیفی استفاده شده است. در بخش کمی، تحلیل داده‌های ثانویه و نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و استفاده از یافته‌های چندین مطالعه محقق در نقاط روستایی استان همدان در قالب سه تحقیق (توسعه محلی روستاهای بهار، فامنین و نهاوند، توسعه پایدار در روستاهای دهستان بقراطی بابانظر شهر رزن و بررسی اشتغال در دختران روستایی شهر بهار) مورد توجه قرار گرفت. بنابراین جامعه آماری، نقاط روستایی استان همدان در شهرستان‌های رزن، بهار، فامنین و نهاوند است. در بخش کیفی، از مصاحبه‌های عمیق با زنان و دختران روستایی و روش ارزیابی مشارکتی روستایی^۱ برای بررسی مشکلات آنها و اولویت‌بندی نیازهایشان استفاده شد.

سؤالات اساسی تحقیق

سؤالات اساسی تحقیق حاضر عبارت‌اند از: (۱) آیا همزمان با جامعه شهری، تأخیر در سن ازدواج، در نقاط روستایی نیز در حال وقوع است؟ (۲) دلایل تأخیر در سن ازدواج دختران روستایی چیست؟ (۳) در فهرست مسائل دختران روستایی، کاهش شانس ازدواج چه جایگاهی دارد؟

مسأله اجتماعی خاموش و نامرئی ...

یافته‌های تحقیق

برای پاسخگویی به پرسش‌های فوق، از داده‌های چند پیمایش و ارزیابی اجتماعی استفاده شده که محقق در روستاهای منتخب استان همدان^۱ با استفاده از تکنیک‌های ارزیابی مشارکتی در طول چند سال اخیر انجام داده است. سپس موضوعات مرتبط با مقاله حاضر، از مطالعات مذکور استخراج شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در اغلب تحقیقات روستایی، مسائل مربوط به ازدواج دختران و زنان روستایی، کاهش شانس ازدواج آنها، تأخیر در سن اولین ازدواج، مشکلات مربوط به هزینه‌های تشکیل زندگی و طلاق در فهرست مسائل مرجع دختران و زنان روستایی بیان شده است. همان‌طور که جدول زیر نیز نشان می‌دهد یکی از مشکلات عمده دختران و زنان در روستای تپه‌دیبی از توابع شهر رزن، در کنار سایر مشکلات اجتماعی و اقتصادی، مسئله ازدواج آنها بوده است.

جدول (۳): ماتریس مقایسه زوجی مشکلات جوانان روستای تپه‌دیبی رزن

مشکلات	مدرسه	امکانات ورزشی	بیکاری	مشکل ازدواج	آب	اهمیت ملاک‌ها
مدرسه	-	ورزشی	بیکاری	ازدواج	آب	۰
امکانات ورزشی	-	-	بیکاری	امکانات ورزشی	آب	۱
بیکاری	-	-	-	ازدواج	آب	۰
مشکل ازدواج	-	-	-	-	آب	۰
آب	-	-	-	-	-	۰

منبع: نقدی، ۱۳۸۲: ۵

در روستای قلعه جوق زمانی، ازدواج به‌عنوان اولین مشکل دختران روستایی بیان شده است. در ادامه، مسائل و مشکلات دختران اولویت‌بندی شده است:

- ۱- مشکل تهیه جهیزیه و تأخیر ازدواج ۲- بیکاری دختران روستا ۳- نبود خانه بهداشت ۴- نداشتن نانوائی ۵- ازدواج اجباری ۶- نبود کلاس‌های آموزش خیاطی قالبیافی و غیره ۷- نبود مدرسه دخترانه ۸- فقر مالی خانواده و کمبود امکانات. نگاهی به پیشنهادات دختران روستا به‌منظور رفع مسائل خویش، علاوه بر اینکه ابعاد مسأله را مشخص می‌کند، مؤید چارچوب نظری تحقیق حاضر نیز است:

- ایجاد اشتغال از طریق ایجاد و ارتقای سطح دانش فنی آنها و کمک به اقتصاد خانوار
- شخصیت دادن به دختران به‌ویژه در ازدواج

۱ مشخصات طرح‌های مذکور در فهرست منابع آمده است.

توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

- احداث خانه بهداشت
- برگزاری کلاس‌های آموزشی نهضت
- ایجاد مدرسه راهنمایی

در روستای چورمق، مشکلات دختران روستایی به شرح زیر بیان شده است. اولویت سوم و چهارم دختران روستایی در این بررسی، مسأله ازدواج و دلایل تأخیر در ازدواج آنها است:

۱- بیسوادی و کم‌سوادی ۲- بیکاری ۳- مشکل ادامه تحصیل در سطوح بالا ۴- مشکل تهیه جهیزیه ۵- افزایش سن ازدواج و عدم ازدواج با دختران روستایی توسط جوانان همان آبادی ۶- نبود کتابخانه و غیره.

دختران این روستا برای بهبود امور خود و رفع مشکلات، پرداخت وام ازدواج به جوانان روستایی و اعطای استقلال رأی به دختران را به‌عنوان راه‌حل بیان کرده‌اند. در روستای گندوز همدان نیز از مشکل ازدواج دختران روستایی یاد شده است که رتبه سوم را در بین مسائل مطرح شده دارد و راه‌حل آن نیز پرداخت وام ذکر شده است. در جدول زیر، ماتریس مشکلات جوانان روستا نشان داده شده است:

جدول (۴): ماتریس مقایسه زوجی مشکلات جوانان روستایی گندوز

مشکلات جوانان روستا	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	امتیاز	رتبه
احداث دبیرستان ۱	*	شغل	احداث دبیرستان	احداث دبیرستان	سرویس	احداث دبیرستان	احداث دبیرستان	۴	۲
ایجاد شغل ۲	*	*	شغل	شغل	شغل	شغل	شغل	۱	۱
امکانات ورزشی و کتابخانه ۳	*	*	*	وام	سرویس	کانون	وام	۰	
وام ازدواج ۴	*	*	*	*	*	وام	وام	۲	۳
اضافه کردن سرویس ۵	*	*	*	*	*	سرویس	سرویس	۳	۳
احداث کانون در استان ۶	*	*	*	*	*	*	وام	۰	
دوران وام تحصیلی و کشاورزی ۷	*	*	*	*	*	*	*	*	۰

منبع: نقدی، ۱۳۸۲: ۸

در فهرست مشکلات جوانان پسر و دختر در دهستان بقراطی، روستای چهاربلاغ نیز از کاهش شأنس ازدواج دختران به‌عنوان یک مسأله یاد شده است. در اولویت‌بندی این مشکلات، ازدواج در رتبه سوم قرار دارد: ۱- بیکاری، ۲- ادامه تحصیل و ۳- ازدواج زنان روستایی. برای غلبه بر بخشی از این معضل نیز راه‌حل اعطای وام ازدواج را بیان کرده‌اند. دلیل اصلی کاهش ازدواج را نیز مهاجرت پسران به شهر و عدم تمایل آنها به ازدواج با دختران روستایی دانسته‌اند. در روستای گنچ‌تپه نیز

مسأله اجتماعی خاموش و نامرئی ...

دختران شرکت‌کننده در مصاحبه‌های عمیق ارزیابی اجتماعی پروژه توسعه محلی، مشکل خود را کاهش شانس ازدواج دانسته‌اند. در جدول زیر نیز که ماتریس مسائل روستای گنج‌تپه، از دید زنان نشان داده شده، این مسأله از اولویت سوم برخوردار بوده است.

جدول (۵): مسائل، راه‌حل‌ها و پروژه‌های پیشنهادی زنان در سایت (گنج تپه)

مسائل	راه‌حل	پروژه‌های پیشنهادی
آب آشامیدنی	اصلاح لوله کشی	توسعه شبکه آب
مسائل زیست‌محیطی	نامناسب بودن معابر	بهسازی
مسائل آموزشی و اجتماعی دختران (ازدواج، نبود دبیرستان دخترانه و غیره)	گسترش فضای آموزشی و حمایت اجتماعی	احداث مدرسه و پروژه‌های مرتبط
کمبود درآمد	ایجاد فرصت و توانایی کسب درآمد	کارگاه زنان سرپرست خانوار
عدم دسترسی به آموزش و مهارت	برگزاری دوره	کارگاه توانمندسازی

منبع: نقدی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۸۰.

به‌طور کلی، در اغلب روستاهای مورد مطالعه، دختران روستایی افزایش غیرمعارف سن ازدواج و کاهش شانس تشکیل خانواده را به‌عنوان یک مسئله مطرح کردند. آنها مهاجرت، گسترش ارتباطات و باسوادی بیشتر پسران روستایی و معضل بیکاری را از عوامل مهم تغییر الگوی جوانان پسر برای ازدواج با دختران شهری دانسته‌اند و پرداخت وام را به‌عنوان راه‌حلی برای رفع برخی مسائل بیان کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

گسترش شهرنشینی، آموزش عالی و افزایش بهره‌مندی زنان از آن، افزایش ورود زنان به بازار، بحران‌های اقتصادی، تحول ارزش‌های خانواده و زن‌شویی در جامعه شهری و بیکاری، مهاجرت مردان و جوانان پسر از روستاها به شهر و غیره، موجب تأخیر سن ازدواج و کاهش شانس تشکیل خانواده برای دختران روستایی شده است. با وجود برخی تفاوت‌ها، در این باره نوعی همسویی نیز مشاهده می‌شود: از آنجایی که توقعات و معیارهای دختران روستایی با دختران شهری چندان تفاوتی ندارد، سن ازدواج در روستاها به‌دلیل مهاجرت به شهرها و استان‌های توسعه‌یافته افزایش یافته است، اما در شهرهای توسعه‌نیافته هنوز کم است. سن ازدواج دختران روستایی کمتر از دختران شهری بوده است، اما در حال نزدیک شدن به همدیگر است (کاظمی پور، ۱۳۸۹: ۸).

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که موانع اقتصادی، اجتماعی و تغییرات الگوهای همسرگزینی در کنار پدیده مهاجرت، موجب کاهش شانس ازدواج دختران روستایی در روستاهای استان همدان شده است. متأسفانه تحقیقات جامعه‌شناسی و توسعه روستایی ایران بیشتر بر مطالعه پدیده‌هایی مانند مالکیت و نظام‌های بهره‌برداری و تحولات آن (مانند اصلاحات ارضی و غیره)، مهاجرت‌های روستا-شهری (با رویکرد اقتصادی)، فقر، بیکاری و غیره متمرکز بوده و کمتر مطالعه فراگیر مسائل اجتماعی جامعه روستایی مانند تعارضات نقشی، تحولات مربوط به شکاف نسلی، خانواده و زناشویی، هویت و فرهنگ، قشربندی و تحرک اجتماعی، مشارکت و موانع آن، توسعه خواهی، انحرافات اجتماعی خاص جامعه روستایی و غیره مورد مطالعه توجه قرار گرفته است.

نکته مهمی که باید در جامعه‌شناسی روستایی مورد توجه بیشتر قرار گیرد، استفاده از روش‌های تحقیق و نظریه‌پردازی ترکیبی برای تبیین مسائل روستایی است. همان‌طور که در چارچوب نظری تحقیق نیز بیان شد، در اغلب نظریه‌های مهاجرت، عوامل اقتصادی بیشتر از همه مورد توجه بوده‌اند و بر تحلیل هزینه فایده اقتصادی مهاجرت‌های روستا-شهری اکتفا می‌شود، اما نظریه‌های متأخر به ترکیبی از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی توجه کرده‌اند. از این‌رو، لازم است در تبیین علل و پیامدهای مهاجرت‌های روستا-شهری، علاوه بر عوامل اقتصادی مانند کمبود درآمد و امکانات، به عوامل اجتماعی - فرهنگی مانند تغییر نگرش جوانان به خانواده و ازدواج، فراهم بودن شانس ازدواج و گزینه‌های بهتر در شهر نیز توجه شود. از این‌رو، ترکیب نظری مورد اشاره در بالا برای تحلیل مسائل روستایی به‌ویژه مسأله کاهش شانس ازدواج برای دختران روستایی که ناشی از حجم زیاد مهاجرت و گزینش جنسیتی آن و تغییر الگوهای ازدواج است، کارآمدی بیشتری دارند.

در پایان و متناظر با یافته‌های تحقیق در برخی روستاهای همدان، تخلیه روستاها از جوانان مرد به‌دلیل مهاجرت و عدم تمایل پسران روستایی شهر- دیده به همسرگزینی از نقاط روستایی و مشکلات عام مانند بیکاری و هزینه‌های ازدواج موجب کاهش فرصت‌های ازدواج برای دختران روستایی می‌شود. نکته اساسی فشار هنجاری جدی ناشی از «پیردختر شدن» یا خطر تجرد قطعی در نقاط روستایی است که برخلاف جامعه شهری، شرایط سختی را برای این گروه پدید می‌آورد و لازم است در وسایل ارتباط جمعی، مدارای اجتماعی و تحمل به دور از قضاوت‌های تخریب‌گر در خصوص این دسته از دختران روستایی مطرح شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود گسترش امکانات و خدماتی مانند آموزش‌های تابعی، پوشش واقعی آموزش، گسترش خانه‌های ترویج، باشگاه جوانان روستایی، کتابخانه‌های سیار و ثابت و دوره‌های

مسأله اجتماعی خاموش و نامرئی ...

مهارت آموزی خاص زنان، تشویق تشکیل گروه‌های اجتماعی خودجوش و مردمی خاص دختران، ثبت نام رادیویی و تلویزیونی از زنان برای فعالیت‌ها و برنامه فراگیر اجتماعی و فرهنگی و ده‌ها فعالیت دیگر که در توان سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) محلی و غیردولتی برای این امر است و ممکن است از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت نیز باشد، برای پر کردن خلأهای عاطفی و اجتماعی برای دختران روستایی مؤثر باشد و به توانمندسازی آنها برای حل معضل تأخیر سن ازدواج کمک کند. در عین حال، با کمک‌های مؤثر و کارآمد برای کارآفرینی و خوداشتغالی پسران و دختران جوان روستایی و رفع کمبودهای مالی در قالب وام‌های هدفمند می‌توان به کاهش یا مدیریت بهتر مسئله کمک کرد.

منابع

- آقا، هما (۱۳۸۳). بررسی تحولات سن ازدواج و توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج در ایران. دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت. دانشگاه شیراز.
- احمدی، وکیل و رضا همتی (۱۳۸۷). بررسی وضعیت مضیقۀ ازدواج در ایران. *مطالعات راهبردی زنان*، سال ۱۱، شماره ۴۱. صص ۴۳-۶۴.
- بهنام، جمشید و شاپور، راسخ (۱۳۴۸). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران*. انتشارات خوارزمی.
- حسینی، حاتم (۱۳۷۹). جمعیت، جمعیت‌شناسی و تنظیم خانواده، انتشارات فناوران همدان.
- درودی‌آهی، ناهید (۱۳۸۳). بررسی وضعیت ازدواج جوانان با استفاده از جداول خالص زناشویی. دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشگاه شیراز، ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت. شیراز.
- رضوی، سید حسن و دیگران (۱۳۸۲). *روستا، فقر، توسعه*. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی ایران.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۳). *مسائل جامعه‌شناختی اجتماعات روستایی در ایران*. در مجموعه مسائل اجتماعی ایران. انتشارات آگه. صص ۲۳۰-۲۶۶.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۱). جمعیت و توسعه. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). تحول جمعیتی و پیامدهای مسئله‌آفرین آن، مجله نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران. ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، صص ۱۱-۲۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. انتشارات سروش. چاپ اول.
- سگالن، مارتین (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. ترجمه حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز.
- شفیق، مسعود (۱۳۸۳). مسائل اجتماعی توسعه در جامعه روستایی ایران. *مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران*.

توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

- شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۲). توسعه و ترویج روستایی. انتشارات دانشگاه تهران.
- طالب، مهدی و زهره نجفی اصل (۱۳۸۶). پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰. شماره ۳، صص ۲۶-۱.
- عبدلهی، محمد (۱۳۸۰). طرح مسائل اجتماعی ایران، اهداف و ضرورت‌ها. مجله نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، شماره ۳، صص ۱۱-۲۲.
- عبدلهی، محمد (۱۳۸۶). مجموعه مقالات همایش ملی زنان و چالش‌های پیش‌رو، جلد سوم انتشارات برگ‌آذین به سفارش دانشگاه ایلام.
- قاسمی‌سیانی، محمد (۱۳۸۸). پیامدهای مهاجرت‌های روستا-شهری نسل جوان روستایی، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه. شماره ۲، صص ۱۶۶-۱۴۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶). سالنامه آماری ۱۳۸۶.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۹). میانگین سن ازدواج دختران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- گود، ویلیام، جی (۱۳۵۲). خانواده و جامعه. ترجمه ویدا ناصحی (بهنام) تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- نقدی، اسدالله (۱۳۸۲). طرح بررسی اشتغال و نیازهای دختران روستایی همدان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان.
- نقدی، اسدالله و همکاران (۱۳۸۳). گزارش ارزیابی اجتماعی طرح توسعه محلی، پروژه مشترک وزارت کشور و بانک جهانی.
- وثنوقی، منصور (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی روستایی. تهران: انتشارات کیهان.

- Aghajanian, Akbar (1997). *Family and family change in Iran in Charles B. Hennon & Timothy H. Brubaker (eds) Diversity in Families: A Global perspective*. New York, Wad worth publishing Company.
- Kusago, Takayashi (2000). Why did rural households permit their daughters to be urban factory workers? A case from rural Malay villages. *Journal of labour and management in development*. vol.1.No.2. p12.
- Maarit Sireni (2008). *Agrarian Femininity in a state of Flux: multiple roles of Finnish farm women in Research in Rural Sociology and Development*. Volume 13. Elsevier.
- Morell, Ildiko Asztalos and Bettina B. Bock (2008). *Rural Gender Regimes: The development of rural gender research and design of a comparative approach in Research in Rural Sociology and Development*. Volume 13. Elsevier. p13.
- Retherford, D. R.; Ogawa, N. & Matsukura, R. (2001). Late Marriage and Less Marriage in Japan. *Population and Development Review* 27 (1). 65 – 102.
- Scott, Jacqueline; Judith Treas and Martin Richards (2004). *The Sociology of Family*. Blackwell. UK. p. 10.